

بسم الله الرحمن الرحيم

بدنه اصلی این نمودار از جزوه ی استاد بزرگوار علانی نژاد استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
حقیق در این سال تحمیلی منتشر به شاکردی استاد عزیزم محمدی هستم که ویرایش و تویب و توضیح بخش های زیادی از نمودار حاصل درس ایشان است
این اثر حقیق تر از آن است که بخواهد دانش اساتید بزرگوارم را به نمایش بگذارد لذا ضعف های موجود را به حساب حقیق ثبت فرمایید
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
نواب این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی بسند
حقیق را از دعای خیر فراموش نفرمایید

بستن اصول مظهر یا این رنگ مشخص شده
توضیحات

لسمت های اصلی جهت مرور سریع و پیگیری خط اصلی بحث با این رنگ مشخص شده اند

یکی از مواردی که در اصول زیاد به کار نمی آید همین بحث مجمل و مبین است
زیرا در متون شرعی ما مجمل و مبین نداریم! چون همیشه راه فرار و حلی برای اجمال داریم
اگر جایی به خاطر تعارض نمین یا اجمال نمی نتوانستیم حل کنیم، آن موقع سراغ اصول عملیه میرویم
اما در نصوص شرعیه هیچ گاه این اتفاق نمی افتد

مقدمه ورود به بحث

مصنف معتقد ست

آنچه دلالت آن واضح نباشد چه قول و چه فعل

نظر مصنف و مشهور

مجمل

تعریف

مختص بالالفاظ
لفظی
ما جهل فیه مراد المتکلم و مقصوده إذا کان لفظا
ریشه جهل عدم ظهور در مقصود متکلم است
و من باب التناویح یطلق علی الفعل
فعلی
ما جهل فیه مراد الفاعل و مقصوده إذا کان فعلا
مجمل بودن فعل یعنی ، علت وقوع آن مشخص نیست
فعل معصوم بیانگر هیچ حکمی نیست الا بحث جواز
یعنی نه استحباب و نه وجوب و نه کراهت از آن در نمی آید و فقط جواز را نشان میدهد
مثال برای فعل مجمل امام
از شرایط تقریر فعل معصوم
در محضر امام انجام شود و امام هم چیزی نگوید + امام در مقام تقیه نباشد
دلیل
میدانیم امام معصوم علیه السلام کار حرام انجام نمیدهد
ما إذا فعل الإمام شیئا فی الصلاة کجلسة الاستراحة
نمی توانیم پر وجوب یا استحباب حمل کنیم
چون در این ناحیه مجمل ست
در ناحیه جواز فعل در مقابل حرام واضح و مبین ست
دلیل: نقل امام حرام مرتکب نمیشود
مبین

آنچه دلالت آن واضح است
آنچه که برای آن ظاهری ست که دلالت می کند بر مقصود فاعل یا فاعل

ظاهر علی وجه یقین
نص
ظاهر علی وجه ظن
ظاهر

لا قرینة علی أحد معانیه
لفظ به کار رفته + نمی دانیم کدام معنا مدنظر ست
قرینه هم نداریم
لگونه لفظا مشترکا
لفظ عین
مثال
مثال
کلمه تضرب
المختار
المشترک بین اسم الفاعل و اسم المفعول
لا قرینة علی المعنا الحقیقی
لفظ به کار رفته + نمیدانیم معنا حقیقی مراد است یا مجازی + قرینه ای هم نداریم
مثال: رأیت أسدا
فإذا کان مفردا
نکته
وقتی بین دو مجاز مردد بودیم
اصالت حقیقه
همراه با قرینه
از تردید خارج شویم

مقاله معارف

لعدم معرفة عود الضمیر فیه
همان سخنان دو پهلوی

اقول عقیل: «أمرنی معاویة أن أسبَ علیَّ ألا فالتموه»
لعنش کردم ایهام دارد میتواند به امیر المومنین علیه السلام یا به معاویه بخورد
قول القائل لما سئل عن أفضل أصحاب النبی صلی الله علیه و آله، فقال: «من بنته فی بیته»
منزبور دختر پیامبر ست در خانه حضرت امیر علیه السلام یا دختر ابوبکر در خانه پیامبر

و ما یسلِّف فی الناس إذا سلَّکوا // أبو آثم حیّ أبوہ یقاربه
اصل شعر برای فرزوق است و در مورد ابراهیم بن هشام دایی هشام بن عبد الملک است

ترجمه
نیست مانند آن ابراهیم در میان مردم مگر سلطنت داده شده ای
که پدر مادر آن سلطنت داده شده (که هشام باشد) پدر آن ابراهیم است

مثال
اختلالات نحوی
اهتمام در مرجع شمار
فواصل شدن بین میدل و میدل منه (میدال منه : مثل / میدال : حی

آنچه که صلاحیت قرینت دارد

اسباب پیدایش اجمال در لفظ

مثال

که برای ما روشن نیست آیا متکلم قرینه را لحاظ کرده یا نه

مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِیْنَ مَعَهُ اَشْدَادٌ عَلٰی الْکُفٰرِ
یعنی همه افرادی که با پیامبر بودن عدالت و ایمان داشته اند
صلاحت قرینه شدن برای آیه بالا را دارد
وَعَدَ اللهُ الَّذِیْنَ اٰتَمٰنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَّ اَجْرًا عَظِیْمًا
یعنی برخی از اصحاب شامل (والذین معه) میشوند نه همه آنها

لوجود ما یسلِّج للقرینة

بنیوم مغفرة

اگر من در انتهای آیه را من بعضیه بگیریم اجمال دارد
از این جهت که نمیدانیم ادامه آیه ناظر به ابتدا آیه است یا نیست
در اولی
اجمال از حیث مخاطب است یعنی مخاطب نمیداند کدام معنا مد نظر متکلم بوده است
در دومی
اجمال از حیث متکلم است

لکون المتکلم فی مقام الإجمال و الإجمال

متکلم در مقام اجمال بوده (یعنی متکلم عمدا مجمل صحبت میکند)

مثال
فکلو ما أسکن
مولا در مقام بیان وضعیت موضع برخورد کلب نبوده است
بخورد از آنچه برای شما آسگ آموزش دیده! نگه داشته است
بلکه در مقام کلیت آموزش دیده است

فرق اجمال و اجمال
اجمال مبهم ست در مقابل بیان ست
عمدا میخواهد مطلب سر بسته بماند
اهمال مبهم ست در مقابل بیان ست
از روی سهو مطلب سر بسته می ماند

نکته
ثم اللفظ قد یتکون مجملا عند شخص، مبینا عند شخص آخر
مجمل و مبین نسبی اند ممکن ست مطلبی برای استاد مبین و برای شاگرد مجمل باشد
مجمل فقط به نفسه ست
مبین هم
به نفسه
به غیره

در مفردات
اشتراک لفظی + بدون قرینه
لفظ + شک بین حقیقت یا مجاز + بدون قرینه
اهتمام در مرجع ضمیر
اختلال در ترکیب جمله
مقدم شدن خبر
آنچه که صلاحیت قرینت دارد
نمیدانیم متکلم در مقام اجمال ست یا اهمال

المواضع التي وقع الشک فی إجمالها

جمع بندی نظر مصنف در بحث اجمال